256227 ـ ادلۀ مشروعیت قربانی و آیا این ادله نشان‌گر وجوب است یا استحباب؟

سوال

در فتوایی در سایت شما این را خواندم که قربانی سنت و مستحب است، اما دلیلی در خود سایت نیافتم که این رای را تقویت کند. آیا امکان دارد دلایلی مبنی بر این‌که قربانی مستحب است نه واجب ارائه کنید؟ حدیث کسی که توانایی داشت و قربانی نکرد نزدیک مصلای ما نشود چه خواهد شد؟ (ابن ماجه: ۳۱۲۳).

خلاصه‌ی پاسخ

خلاصه آن‌که: در میان اهل علم دربارۀ این مسئله آرای گوناگونی موجود است و مستحب دانستن قربانی، قولی است که ما ترجیح داده‌ایم و درست‌تر دانسته‌ایم. اما کسی که توانایی مالی دارد و می‌خواهد جانب وَرَع و احتیاط را رعایت کند و قربانی را ترک نمی‌کند این برای او به احتیاط نزدیک‌تر است، چنان‌که از شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ نقل کردیم. برای مطالعۀ بیشتر در این باره به کتاب «أحكام الأضحية والذكاة» شیخ ابن عثیمین و کتاب «المفصل في أحكام الأضحية» حسام الدین عفانه که این مسائل را به شکلی آسان بیان کرده است مراجعه کنید. والله اعلم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

در این باره میان علما ـ رحمهم الله ـ اختلاف مشهوری است، هرچند بیشتر علما قائل به استحباب و عدم وجوب قربانی‌اند.

اما حنفی‌ها و امام احمد در روایتی که شیخ الاسلام ابن تیمیه آن را برگزیده قائل به وجوب قربانی بر شخص توان‌گرند.

ابن قدامه ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

بیشتر علما قربانی را سنتی مؤکد و غیر واجب می‌دانند.

این [رای] از ابوبکر و عمر و بلال و ابو مسعود بدری ـ رضی الله عنهم ـ و سُوَید بن غَفَلَه و سعید بن مُسَیّب و عَلقَمَه و اَسوَد و عَطاء و شافعی و اسحاق و ابو ثور و ابن المُنذِر نقل شده است. اما ربیعَه و مالک و ثَوری و اَوزاعی و لَیث و ابوحنیفه آن را واجب دانسته‌اند، به دلیل روایت ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: هرکس توانایی داشت

و قربانی نکرد، به مصلای ما نزدیک نشود و از مِخنَف بن سُلَیم روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: ای مردم بر اهل هر خانه در هر سال یک قربانی و یک عَتیره لازم است. (عتیره قربانی‌ای بود که در جاهلیت در ماه رجب انجام می‌دادند و بنابر قول راجح در آغاز اسلام به آن عمل می‌شد و سپس منسوخ گردید).

اما دلیل ما روایتی است که دارقطنی از ابن عباس از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نقل نموده که فرمود: سه چیز بر من فرض شده و برای شما مستحب است و در روایتی دیگر: وتر و قربانی و دو رکعت فجر.

همچنین به دلیل آن‌که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: هرکس قصد قربانی داشت و روزهای دهۀ [نخست ذی الحجه] فرا رسید پس از مو و پوستش چیزی بر ندارد به روایت مسلم. ایشان قربانی را به ارادۀ شخص موکول کرده حال آن‌که واجب به خواست شخص سپرده نمی‌شود» (المغني: ۱۱/ ۹۵).

ثانیا:

هر گروه از علما به ادله‌ای استناد کرده‌اند که هر یک در سند یا در استدلال به آن خالی از اشکال نیست و این‌جا به مهم‌ترین احادیث در این زمینه اشاره می‌کنیم:

اما حدیث نخست که قائلان به وجوب به آن استناد می‌کنند:

حدیث ابوهریره از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ که فرمود: هر کس توانایی داشت و قربانی نکرد به مصلای ما نزدیک نشود به روایت ابن ماجه (۳۱۲۳).

همۀ امامان حدیث این حدیث را مرفوع و سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نمی‌دانند و برخی بر این حکم کرده‌اند که این سخن خود ابوهریره است نه پیامبر صلی الله علیه وسلم.

بیهقی در سنن خود (۹/ ۲۲۶۰) می‌گوید: به من از ابوعیسی ترمذی نقل شده که وی می‌گوید: صحیح آن است که این روایت موقوف و سخن ابوهریره است. می‌گوید: این روایت را جعفر بن ربیعه و دیگران از عبدالرحمن الأعرج از ابوهریره به شکل موقوف نقل کرده‌اند.

حافظ ابن حجر می‌گوید: ابن ماجه و احمد ـ که رجال وی همه ثقه‌اند ـ آن را روایت کرده‌اند اما در این باره اختلاف است که این روایت مرفوع است یا موقوف؟ و درست‌تر آن است که موقوف است. این را طحاوی و دیگران گفته‌اند و با این حال به صراحت دال بر وجوب نیست (فتح الباری: ۱۲/ ۹۸).

ابن عبدالبَر و عبدالحق در أحکام الوسطی (۴/ ۱۲۷) و منذری در الترغیب والترهیب و ابن عبدالهادی در التنقیح (۲/ ۴۹۸) موقوف بودن این روایت را درست‌تر دانسته‌اند. نگا: حاشیة محققي سنن ابن ماجه (۴/ ۳۰۳).

حدیث دوم: حدیث ابورمله از مِخنف بن سُلیم که از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نقل کرده است: ای مردم، بر هر خانه‌ای در هر سال یک قربانی و یک عتیره لازم است به روایت ابوداوود (۲۷۸۸) و ترمذی (۱۵۹۶) و ابن ماجه (۳۱۲۵).

عتیره: قربانی‌ای بود که در رجب انجام می‌دادند که به آن رجبیه هم می‌گفتند.

این حدیث را گروهی از علما به سبب جهالت و ناشناس بودن ابورمله ـ که نامش عامر است ـ ضعیف دانسته‌اند.

خطابی می‌گوید: این حدیث ضعیف است و ابورمله مجروح است (معالم السنن: ۲/ ۲۲۶).

زیلعی می‌گوید: عبدالحق می‌گوید: سندش ضعیف است. ابن قطان می‌گوید: مشکل آن نامشخص بودن حال ابورمله است که نامش عامر است. او را جز با همین روایت که از ابن عون نقل کرده نمی‌شناسند (نصب الرایة: ۴/ ۲۱۱).

اما کسانی که قائل به استحباب‌اند به تعدادی حدیث مرفوع استناد کرده‌اند که مهم‌ترینش دو حدیثی است که ابن قدامه ـ رحمه الله ـ ذکر کرده است.

حدیث نخست: حدیث ابن عباس است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: سه چیز است که بر من فرض بود و برای شما مستحب است: وتر و قربانی و نماز ضُحی به روایت احمد (۲۰۵۰) و بیهقی (۲/ ۴۶۷).

این حدیث را گروهی از امامان متقدم و متاخر ضعیف دانسته‌اند. ابن حجر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

مدار آن بر ابو جَناب کَلبی از عکرمه است که ابو جناب ضعیف است و همچنین اهل تدلیس است حال آنکه این با صیغهٔ عن (از) روایت کرده [و صیغهٔ عن از مدلس پذیرفته نمی‌شود] و امامانی همچون احمد و بیهقی و ابن صلاح و ابن جوزی و نووی و دیگران این حدیث را ضعیف خوانده‌اند (التلخیص الحبیر: ۲/ ۴۵) و همچنین نگا: (۲/ ۲۵۸).

حدیث دوم: حدیثِ ام سلمه است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: هرگاه دههٔ [نخست ذی الحجه] وارد شد و کسی از شما خواست قربانی کند، پس چیزی از مو یا پوست خود برندارد به روایت مسلم (۱۹۷۷).

امام شافعی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «این دلیلی است بر اینکه قربانی واجب نیست زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: خواست و این امر را به خواست خود وی موکول نموده است، حال آنکه اگر واجب بود می‌گفت: چیزی از موی خود بر ندارد تا آنکه قربانی کند» (المجموع: ۸/ ۳۸۶).

اما این استدلال خالی از مناقشه نیست؛ زیرا موکول کردن به اراده، دلیل عدم وجوب نیست.

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«نزد من تفویض به اراده، اگر [وجوب] دلیل داشته باشد، منافی وجوب نیست زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ دربارۀ مواقیت [احرام] می‌فرماید: این‌ها برای شما و برای کسانی از غیر اهل آن است که بخواهند حج و عمره را ادا کنند اما این مانع وجوب حج و عمره بنا بر دلایل دیگر نیست... قربانی بر شخصی که توانایی مالی ندارد واجب نیست پس او خواهان قربانی نیست، در نتیجه درست است که مردم را به اعتبار توانایی و ناتوانی به خواهان و غیر خواهان تقسیم کنیم» (أحکام الأضحیة والذکاة: ۴۷).

حاصل آن‌که: احادیث دال بر وجوب قربانی خالی از اشکال و سخن نیست اگرچه برخی از علما تعدادی از این احادیث را حسن دانسته‌اند.

همین‌طور احادیثی که دال بر استحباب قربانی است خالی از اشکال نیست بلکه از جهت سند ضعیف‌تر است.

بر همین اساس، شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ در پایان رساله‌ای مفصل در همین باره به نام أحکام الأضحیة والذکاة می‌گوید:

این آرا و ادلۀ علما را برای بیان منزلت و اهمیت قربانی در دین بیان کردیم و ادلۀ [دو گروه] تقریبا در یک سطح از قدرت است و احتیاط این است که در صورت توانایی این کار را ترک نکند زیرا چنین کاری شامل بزرگداشت الله و یاد اوست و همین‌طور به یقین، تکلیف از دوش او برداشته شده است.

ثالثا:

آن‌چه قول به واجب نبودن قربانی را قوی می‌کند دو مسئله است:

نخست: برائت اصلی (اصل بر عدم وجوب است تا آن‌که دلیلی برایش ثابت شود) پس تا هنگامی که دلیلی بدون معارض بر وجوب نیست اصل بر عدم وجوب است.

شیخ ابن باز ـ رحمه الله ـ می‌گوید: حکم قربانی این است که با وجود توانایی سنت است و واجب نیست؛ زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ دو قوچ املح را قربانی می‌کردند و صحابه نیز در دوران زندگی ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ و پس از وفاتشان قربانی کردند و همین‌طور دیگر مسلمانان پس از آنان قربانی کرده‌اند و در ادلۀ شرعی چیزی دال بر وجوب آن وارد نشده و قول به وجوب، ضعیف است (مجموع فتاوی ابن باز: ۱۸/ ۳۶).

دوم: آثار صحیح وارد شده از صحابه.

زیرا از ابوبکر و عمر و دیگران وارد شده که از روی بد دانستن این‌که مردم گمان کنند قربانی واجب است، [گاه] قربانی نمی‌کردند.

بیهقی در معرفة السنن والآثار (۱۴/ ۱۶: ۱۸۸۹۳) از ابو سَریحه روایت کرده که گفت: ابوبکر و عمر را که همسایهٔ من بودند درک نمودم و آنان قربانی نمی‌کردند.

بیهقی پس از آن می‌گوید: در کتاب سنن از حدیث سفیان بن سعید ثوری از پدرش و از مُطَرِّف و اسماعیل از شَعبی روایت کردیم که در بخشی از حدیث‌شان آمده: از ترس آن‌که به آن‌ها اقتدا شود (یعنی در صورت همیشه قربانی کردن مردم گمان کنند که واجب است). نگا: «السنن الکبری: ۹/ ۴۴۴).

امام نووی در المجموع (۸/ ۳۸۳) می‌گوید: اما اثر مذکور از ابوبکر و عمر را بیهقی و دیگران با سندی حسن روایت کرده‌اند.

هیثمی می‌گوید: طبرانی این روایت را در [معجم] کبیر آورده که رجال آن رجال صحیح‌اند (مجمع الزوائد: ۴/ ۱۸) و شیخ آلبانی در إرواء الغلیل (۴/ ۳۵۴) صحیح‌اش دانسته است.

بیهقی (۹/ ۴۴۵) با سند خود از ابومسعود انصاری روایت کرده که گفت: من در حالی که توانایی دارم [گاه] قربانی را انجام نمی‌دهم، از ترس آن‌که همسایگانم فکر کنند بر من واجب است آلبانی در إرواء الغلیل آن را صحیح دانسته است.